

مراتب روحانی افراد در دور بیان

محمد افنان

اصطلاحات و عناوین مرایا، شهداء، نقباء، ادلاء و بالاخره اصطلاح حروف در آثار شارع بیان مکرر است. سؤال اینکه آیا این درجات بالکل مستقل از یکدیگرند یا نوعی ترتیب در آنها منظور شده همواره ذهن پژوهندگان حقائق را مشغول داشته است. لفظ مرایا که جمع کلمه مرآت است بیش از همه در آثار بیانی زیارت میشود بر خلاف تصویری که بعضی بآن استناد کرده‌اند این اصطلاح اختصاص به میرزا یحیی^۱ اسم ازل ندارد بلکه در حقیقت اصطلاح عمومی برای عموم اهل ایمان است یا بعبارت دیگر عنوان هر مؤمنی "مرآت" است زیرا مانند آئینه‌ای است که حکایت از شمس ظهور می‌نماید. بیان حضرت نقطه در بیان فارسی یکی از موارد اشاره باین مطلب است "آن مثل النقطة كمثل الشمس و مثل سائر الحروف كمثل المرایا فی تلقائها ... و همین قدر که در ظهور نقطه حقیقت که در قرآن باسم رسول‌الله ظاهر بود مثل او شمس گرفته شود و مهتدین باو شمس ظاهره در مرایا ثمره این باب اخذ شده در علم نه در عمل..." (۱) اما در حقیقت موارد ذکر مرآت و مرایا در آثار نقطه بیان بیش از آنست که بتوان آنرا بآسانی جمع کرد. در آثار جمال اقدس ابهی^۲ نیز اصطلاح مرآت مکرر آمده. از جمله در سوره مبارکه هیکل چنین نازل:

"ان یا صدر هذا الهيكل انا جعلنا الاشياء مرایا نفسك و جعلناك مرآت نفسي فَأَشْرَقَ عَلَيَّ صَدُورُ الْمَمَكَنَاتِ ... " (۲) که موید بیان زیر است "... من يظهره الله الذي ينطق في كل شأن أنتي انا الله لا اله الا انا رب كل شيء و ان مي دونی خلقي ايتاي فاعبدون و بدانکه اوست مرآت الله که متجلی میشود از او مرآت ملک که حروف حی باشند و دیده نمی‌شود در او الاالله..." (۳)

اگرچه مستقیماً مطلب زیر با بحث موجود مربوط نیست، اما اصطلاح مرآت و مرایا در بسیاری از آثار مبارکه و حتی موارث ادبی فارسی نیز بکار آمده است از قبیل

مرایای اسماء و صفات (الهی)، مرآت روح، مرآت کینونت، مرآت قلب و مرآت ضمیر، مرآت وجود و مرآت علم الهی و حتی بمنظور مقایسه کیفیت برتری و پستی مانند تراب و مرآت و چه بسا موارد دیگری که در این مختصر ذکرش میسر نشده است. شهداء لفظ جمع برای شهید است و اگرچه معمولاً برای آنان که جان در راه ایمان دهند عنوان شهید بکار می‌رود مع ذلک در معارف بیانی باعتبار اینکه شهید معنی دیگرش شاهد امین است برای نفوس ممتازة مؤمنانی بکار رفته که سمت پیشرو و راهنمای جامعه را دارند و حافظان اصول و آداب و مجریان احکام و ضوابط جامعه میباشند. البته در این مقام شهید بایشار جسم و جان ارتباطی ندارد. در موارد مختلفی ضمن احکام بیان وظائفی برای شهدا معین شده که مؤید مطالب فوق است.

"امر شده از برای کسی که داخل شود بیت کسی را بغیر اذن او یا آنکه یک قدم او را در سفر مجبوراً حرکت دهد یا آنکه او را از بیت خود بغیر اذن او بیرون آورد بر اینکه نوزده ماه بر او حلال نیست اقتران و اگر کسی تعدی کند از این حکم بر شهداء بیان فرض است که جزای تعدی او نود و پنج مثقال ذهب در حق او حکم نمایند" (۴)

"ای شهدای بیان محتجب نگشته در نزد ظهور که مثل شما همین قسم است که ذکر شد بوسائط ما لانهایه عرفان کلام حقیقت را نموده‌اید، در نزد ظهور از او حیا نموده..." (۵)

و در توفیق قائمیت چنین نازل "و انّ اول من بايع بي محمد رسول الله ثمّ عليّ ثمّ الذين هم شهداء من بعده ... " که در این مقام مقصود از شهداء ائمه طاهرین و رجعت آنان در رتبه حروف حی بیان است. (۶) اطلاق عنوان شهید بر مظاهر مقدسه سابقه تاریخی دارد و هر دو عنوان "شهید" و "شاهد" در قرآن برای پیغمبر اکرم اسلام نیز آمده است.

نقباء کلمه جمع برای نقیب است و نقیب در اصطلاح معارف اسلامی به کسی اطلاق میشود که بر افکار و سرائر افراد آگاه است و از ظواهر حال و اعمال آنان به حقیقت نیت و مقصدشان پی میبرد. عنوان نقباء در احادیث بعدة معینی از افراد ممتاز و برگزیده که در ظلّ امام غائب به ترتیب و تمشیت امور عالم مشغولند اطلاق شده است. در معارف شیعه حدیثی از طریق جابر بن یزید جعفی از امام همام حضرت زین العابدین روایت شده که معرفت حق مستلزم عرفان مراتب زیر است: توحید، معانی، ابواب، امام،

ارکان، نقباء و نجباء (۷) و در حدیثی دیگر از امام ناطق حضرت صادق نقل شده که رسول اکرم فرمود "من ولدی اثنا عشر نقباء نجباء محدثون مفهمون آخرهم القاسم بالحق یملاها عدلاً ک ماملت جوراً" (۸)

حضرت نقطه مقام نقباء را بمؤمنین مخلص فداکار تبیین فرموده اند. در کتاب

بیان چنین نازل:

"در این ظهور مشاهده کن که تا امروز با تدابیر الهیه جواهر خلق را حرکت داده تا آنکه سیصد و سیزده نفر نقباء گرفته شد. در ارض صاد که بظاهر اعظم اراضی است و در هر گوشه مدرسه آن لایحصی عبادی هستند که باسم علم و اجتهاد مذکور در وقت جوهرگیری گندم پاک کن او قمیص نقابت را می پوشد." (۹)

ادلاء جمع دلیل است و مقصود از این اصطلاح نفوسی هستند که بر حقانیت امر الهی به گفتار و رفتار راهنمایی مینمایند. لفظ "دلیل" را معمولاً به "ادله" و "ادلاء" جمع بسته اند. جمع به "ادله" در موارد مربوط به مسائل مجرّد و منطقی است، در حالی که جمع به "ادلاء" منظور اشاره به شخص است، یعنی کسی که خواه باعمال و خواه بگفتار مطلبی را بیان مینماید و یا هدایت می کند. در کتاب الاسماء آیات زیر متضمن ذکر "ادلاء" است که مفهوم و مقصد از این عنوان را تعریف مینمایند

"فلتنظرن فی الذین اوتوا الانجیل علمائهم عندهم کانوا ادلاء حق الانجیل فلما

احتجبوا عن محمّد رسول الله، بدّلوا بدون الحق ... " (۱۰)

"قل ان ادلاء رضائه ﴿من ینظره الله﴾ الذین هم به مؤمنون و مؤقنون و ان ادلاء

کرهه الذینهم حین یسمعون آیات الله من عنده او یرون کلمات الله من عنده

فی الحین لا یؤمنون و لا یوقنون" (۱۱)

"تو خود اول مؤمن را می شناسی که اکثر از علمای شیخیه و سیدیّه بل طوائف

دیگر مقرر بر فضل و علم او بودند ... این یکی از ادلاء این ظهور است که بعد از

فوت مرفوع سید اعلی الله درجه اکثر علماء را دیده و نیافت حق را الا نزد صاحب

حق." (۱۲)

اصطلاح "ادلاء" در اسلام نیز آمده و حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین به "ادلاء علی

مرضات الله" خطاب شده اند. (۱۳)

حروف و حرف از اصطلاحات متداوله معارف بیانی است و از آنجا که حرف

ابتدائی‌ترین واحد گفته‌ها و نوشته‌هاست مجازاً برای اشاره به افراد بکار رفته است چه که افراد انسانی نخستین واحد جامعه بشری هستند و بهمین مفهوم مطالب و توضیحات وارده در بیان دلالت دارد (۱۴) و بنابر تعریف بیان افراد یا "حروف علیین" اند که اهل ایمان می‌باشند یا "حروف دون علیین" که بر غیرمؤمنان اطلاق می‌شود: "... شمر نمی‌بخشد حروف الف (انجیل) را بقای در الف بعد از نزول قرآن و حروف قرآن را بعد از نزول بیان" (۱۵) "و اگر در کینونیات حروف انجیلیه آیتی از حق باشد که منتهی الیه لذت است اگرچه در ظهور عیسی بوده ولی امروز آن آیه مرتفع شده ... اگر کَل حروف انجیلیه به یقین بدانند که ظهور رسول‌الله همان ظهور عیسی بوده بنحو اشرف احدی از حروف انجیلیه در انجیل خود باقی نخواهد ماند" (۱۶)

مآخذ

- ۱- بیان فارسی واحد سَوَم باب ۱۲
- ۲- آثار قلم اعلی - کتاب مبین - چاپ دوم - صفحه ۲۴
- ۳- بیان فارسی - واحد اول - باب اول
- ۴- ایضا - واحد ششم - باب ۱۶
- ۵- ایضا - واحد ششم - باب ۷
- ۶- ظهورالحق جلد سَوَم - صفحه ۱۶۴ - توفیق قائمیت
- ۷- رساله عدلیه حضرت نقطه اولی - باب سَوَم
- ۸- منقول در محاضرات - صفحه ۸۸۶
- ۹- بیان فارسی - واحد هشتم - باب ۱۴ - ملا جعفر گندم پاک کن
- ۱۰- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عز اسمه الاعلی - صفحه ۱۰۱
- ۱۱- ایضا - صفحه ۱۰۵
- ۱۲- دلائل سبعة - جناب ملا حسین باب‌الباب
- ۱۳- زیارت جامعه - بر این زیارتنامه جناب شیخ احمد احسانی کتاب مهم و معروف (شرح زیارة) را مرقوم داشته اند.
- ۱۴- به ابواب ۲ و ۳ و ۴ از واحد دوم بیان فارسی رجوع شود.
- ۱۵- بیان فارسی - واحد دوم - باب ۴
- ۱۶- ایضا - واحد دوم - باب ۱۶